

۲۰۰ ۴۹۸۷

شازده کوچولو

آنتوان دهنست اگزوپری

مترجم
نگار افشار

سرشناسه	: سنت اگزوپری، آنتوان دو، ۱۹۰۰ - ۱۹۴۴م.
عنوان و نام پدیدآور	: Saint-Exupéry, Antoine de
مشخصات نشر	: شازده کوچولو آنتوان دو سنت اگزوپری : مترجم نگار افشار.
مشخصات ظاهری	: تهران: باغ فکر، ۱۳۹۷.
شابک	: ۱۱۹ ص.: مصور.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-600-9881-54-3
یادداشت	: فیبا
موضوع	: عنوان اصلی: Le petit prince.
زیرموضوع	: داستان‌های فرانسه — قرن ۲۰م.
شماره افزوده	: French fiction — 20th century
رده بندی کنگره	: افشار، نگار، ۱۳۶۲ — مترجم
رده بندی دیوید	: ۱۳۹۷ ش ۳/PQ۶۶۲۳
شماره کتابشناسی	: ۹۱۲/۸۴۳
	: ۵۴۷۴۸۰۲

انتشارات باغ فکر - ناشره نگار: انسان برتر

عنوان: شازده کوچولو

نویسنده: آنتوان دو سنت اگزوپری

مترجم: نگار افشار

چاپ اول: ۱۳۹۸

تعداد: ۱۰۰۰

شابک: ۳-۵۴-۹۸۸۱-۶۰۰-۹۷۸

۶۶۴۸۹۲۵۵ - ۶۶۴۸۹۲۵۲

۱۹۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

اگر بخوانم می‌بینم شانه‌ده کوچولو را در کوتاه‌ترین عبارت ممکن بیان کنم و یا عبارت دیگری را بر عنوان آن بیفزایم تا آن عنوان فرعی، توصیف‌گر عنوان اصلی باشد، عبارت «زیستن در سپهر عشق» را انتخاب می‌کنم که همه باخبر از زواری، همان سخنی است که همه حرف عرفان ماست - خواه سرانگشته در یونان باستان داشته باشد، یا در ایران باستان - و آن حرف «سخن عشق» است.

وقتی در واژه واژه این دفتر کوتاه که بلندای آن از زمین تا ثریاست می‌نگرم، تنها یک واژه را بازمی‌یابم، «عشق» به ایف‌ترین وجه و زیباترین حالت آن. گویی خداوند این گیتی، این کودکان و این هستی را با عشق آفریده است و ذره ذره آن را با عشق به یک‌دیگر پیوند داده و آگزوپری عشق را کودکانه یا به خردنی روشن‌تر «صادقانه» عرضه می‌دارد که کودکان یعنی همه کودکان، نمداد و نمود عشقند، عشق می‌دهند و عشق طلب می‌کنند و عشق کودکانه، عشقی عظیم و سخت‌گرا ن‌بهاست، عشقی منزّه و مبرا از حسابگری‌ها و عاقبت‌اندیشی‌ها.

از این روی است که آگزوبیری از بزرگسالان آزرده است، آنان را موجوداتی می‌بیند که قوه فاهمه و رویاپردازی خویش را از دست داده‌اند، قادر به درک بسیار نکات و بسیار امور نیستند، از منظر منافع فردی، گروهی یا حداکثر طبقاتی به مسایل مختلف می‌نگرند، منطقی هستند، با مغزشان کار می‌کنند، نه با دل‌شان؛ رویاپرداز نیستند، همان دریایی که به زندگی رنگ و رونق و جلوه می‌دهد. زیبایی را نمی‌بینند و برای سرخ گلی که ممکن است پژمرده شود، دل نمی‌سوزانند؛ گل سرخ‌ها، با چمن‌ها و سبزه‌ها سخن نمی‌گویند و سخن آن‌ها را نمی‌شنوند.

شازده کوچولو از زمانه‌ی دل بستن است و از ویرانه دل بریدن نیست، در سفرهایش به دیگر خرده سیاره‌ها یا سیارک‌های دیگر به شاخصه‌های انسانی با نگاه حیرت و سرگشتگی می‌نگرد. از قدرت‌طلبان، از ثروت‌اندوزان، از خودشیفته‌گان و... دوری می‌جوید و چون به زمین می‌آید، عشق خویش را بفایده روباه می‌کند و چه زیبا می‌گوید، وقتی عاشق روباه شدی و آن روباه عشق تو را پذیرفت و رام و دست‌آموز تو شد، آن وقت است که آن روباه، برای تو خاص می‌شود و در فرجام کار می‌گوید وقتی گلی را که دوست می‌داری و برای رویدن و بالیدنش کوشیده‌ای، عاشق آن گل می‌شوی و آن گل برایت با همه گل‌های سربرآورده در گیتی متفاوت می‌شود، وقتی ندانی گل محبوبت در کدام سیاره یا ستاره است، آن‌گاه است که به عشق آن گل، همه سیاره‌ها و ستاره‌ها را دوست خواهی داشت و به لطف این عشق، عاشق همه هستی می‌شوی و این شیوه عاشقانه

زیستن، شیوه شازده کوچولوست که در بزرگ‌مردی، کوچولو مانده است و به مفهوم ادراکی ما بزرگ‌سالان، بزرگ نشده تا عشقش رنگ تعلق به خود گیرد. شازده کوچولو عاشقی فارغ از تعلقات کسالت‌آور بزرگ‌سالان است و توصیه‌اش به همه انسان‌ها این است: «کودک بمانید و کودکانه زندگی کنید.»

www.ketab.ir